

نام نیکو

درس دهم



مترادف

هیچ چیز از نگاه کنجاو و جست و جوگر « محمود » دور نمی ماند: ستارگان زیبای آسمان که در شبانگاه با او گفت و گو می کردند؛ غروب های خیال انگیز زاینده رود، پرواز کبوتران؛ و از همه بیشتر، ستون ها، گل دسته ها و نقش های زیبای مساجد اصفهان. او دوست داشت همه را نقاشی کند. وقتی با هم کلاسی هایش از مدرسه بیرون می آمد، از او می خواستند تا تصویر کبوتران نشسته بر دیوار را که در دفتر خود کشیده بود، در دفتر آنها نیز بکشد.

اورا به استاد امامی سپرد

روزی که پدرش، دست او را در دست استاد امامی گذاشت؛ آن استاد بزرگ نقاشی، دریافت که محمود استعدادی فوق العاده دارد. استاد امامی پرکار اما بسیار کم حرف بود. او روزهای فراوان، محمود را به ساختن رنگ و آماده کردن قلم موها و بومها مشغول کرد.

در کارگاه استاد امامی، شعرهای دلنشین حافظ و جلال الدین محمد (مولوی)، زمزمه می شد و محمود با این سروده ها و نقش و نگارها پرورش می یافت. بعد از ماه ها، استاد به محمود گفت: «محمود! حالا دیگر وقت آن رسیده است که خودت طراحی کنی.»

در این هنگام، محمود با خوش حالی و هیجان گفت: «استاد؛ از کجا باید شروع کنم؟» استاد امامی گفت: «از همه جا؛ از سیاهی شب تا روشنایی سپیده دم، از شفافیت آب تا سختی کوه، از ابرهای گذران تا نقشی که بر خشت ها زده اند.»

محمود شروع کرد. استاد با نگاه های تحسین آمیز، هوشمندی او را می دید و تشویقش می کرد؛ اما مراقب بود که غرور به جان شاگردش نیفتد. همیشه می گفت: «غرور، آفت هنر است.» روزی که استاد امامی کشیدن آهو را به محمود سر مشق داد، او تمام شب، بیدار ماند و

در پایان، آهوهای را دید که از هر طرف به او نگاه می کردند: از رو به رو، از پشت سر، از نیم رخ، در حال فرار و... به یاد مادر خود افتاد که هر وقت کارش گره می خورد، می گفت: «یا ضامن آهو!»

صبح روز بعد، تمام راه را دوید تا گله ی آهوئی را که کشیده بود، به استاد نشان دهد.

استاد گفت: «از رو که نکشیدی؟!»

نذیه از جلال کسین

محمود، در حالی که سرخ شده بود، گفت: «نه همه را ذهنی کشیده‌ام.»
بدون امید بپورند
استاد با هیجان و ناباوری گفت: «حالا چشم‌هایت را ببند و همان آهویی را که سر مشق داده بودم، بکش.»

محمود چشم‌هایش را بست و با دو سه حرکتِ قلم، طرح آهو را کشید. اطمینان و اتماد دارم
سریع - به درت
جهله عاصی
استاد امامی، بی‌صبرانه گفت: «به به! به به! به تومی گویند هنرمند! من مطمئنم که تو یکی از استادان بزرگ نقاشی خواهی شد.»

سال‌ها بعد، محمود فرشیان، استادی هنرمند و نام‌آشنا در نقاشی شد و کارهای او معروف و مشهور
درجه‌ن کارهای او را می‌سناسند.
شهرت جهانی یافتند. لقب بر هنری

اکنون کمتر کسی است که نگاره‌ی «عصر عاشورا»ی او را ندیده باشد؛ چه بسیار چشم‌ها که با دیدن حالت سوگوار اسب امام حسین (ع) در این اثر، گریسته‌اند و چه زبان‌ها ناراحت
گریه کرده‌اند



نام سب و خوب / سبایی کرده اند
 که هزمنندی و نیک نامی این استاد بزرگ را ستوده اند و با نویسنده و شاعر بزرگ ایران،
 «سعدی»، هم صدآ شده اند که:

مخفف اثر مخفف از
 ① نام نیکو، گر بماند ز آدمی
 خوب نماند از زده / ناپودلان
 ② نام نیک رفگان، ضایع ملن
 مخفف اه از او / خانه / طلاطری
 به کزو ماند سرای زرنگار
 تا بماند نام نیکت، پایدار

۱- اگر از تو نام و خاطره ی خوب بماند بماند بماند بماند است تا یک خانه ی طلاطری شده با تی بماند.
 ۲- نام و یاد کسی که از پس ما رفتند را به خوبی زنده نگه دار تا نام نیک تو را زنده و همیشگی نگه دارند.

درست و نادرست

۱. محمود با شعرهای دلنشین حافظ و مولانا پرورش می یافت. ✓
۲. تابلوی «عصر عاشورا» اثر استاد فرشچیان است. ✓
۳. پدر محمود دریافت که پسرش استعدادی فوق العاده دارد. ✓

درک مطلب

۱. محمود ساختن رنگ را از چه کسی آموخت؟
۲. چرا استاد امامی مراقب بود محمود دچار غرور نشود؟
۳. استاد امامی چگونه به این نتیجه رسید که محمود از استادان بزرگ نقاشی خواهد شد؟
۴. به نظر شما تصویر استاد فرشچیان در ابتدای درس، بیانگر کدام ویژگی شخصیتی اوست؟
 عبارتی از متن بیان کنید که این ویژگی را نشان دهد.

۵. بخوبی بگفت، همه ایست یعنی چه؟

۶- ویژگی های احمدی استاد امامی را بنویسید.

۷- محمود و من دچار مشکل می شدیم می کردیم؟

۸- محمود در چه شهری زندگی می کردیم؟

۹- نام استاد محمود چه بود؟





- استاد، با نگاه‌های تحسین آمیز، او را می‌دید.
- نگاه‌های تحسین آمیز: یعنی نگاه‌هایی که با تحسین و تشویق آمیخته است.
- شهید احمدی روشن، در راه سربلندی میهن، تلاشی افتخارآمیز داشت.
- تلاشی افتخارآمیز: یعنی تلاشی که با افتخار همراه است.
- او غروب‌های خیال انگیز را دوست می‌داشت.
- غروب‌های خیال انگیز: یعنی غروب‌هایی که خیال و اندیشه را برمی‌انگیزد.
- نگارگری‌ها و نقش‌های شگفت انگیز استاد، هر بیننده‌ای را به تحسین واداشت.
- نقش‌های شگفت انگیز: یعنی نقش‌هایی که باعث شگفتی و تعجب می‌شود.



- درس دهم را به صورت نمایش، در کلاس اجرا کنید.
- برای اجرای مناسب و جذاب‌تر، لازم است به نکات زیر، توجه کنید:
- ۱ **صحنه پردازی**: فضای مناسب برای اجرا و متناسب با محتوا، طراحی کنید.
- ۲ **انتخاب نقش**: پس از بررسی و بازخوانی داستان، یکی از شخصیت‌ها را انتخاب کنید.
- ۳ **اجرای نمایش**: پس از تعیین نقش، ویژگی‌های شخصیت مورد نظر را به نمایش بگذارید.
- ۴ **نقد و بررسی**: پس از پایان نمایش، درباره‌ی چگونگی اجرای نقش هر فرد، در گروه بحث و گفت‌وگو کنید و سرانجام مباحث را جمع‌بندی نمایید.